

# فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردهای ایران در بحران مالی جهانی<sup>۱</sup>

سید مجتبی زرگر<sup>۲</sup>

ابراهیم خیرخواهان<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت ۸۸۷/۲۵ - تاریخ تصویب ۸۹/۱/۲۵)

## چکیده

بحران مالی و اعتباری که در حال حاضر کشورهای صنعتی و بسیاری از کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند، ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد. صندوق بین‌المللی پول در آوریل سال ۲۰۰۸ میلادی زیان‌های ناشی از این بحران را که پس از بحران سال ۱۹۲۹، مهم‌ترین بحران اقتصادی جهان محسوب می‌شود، حدود یک هزار میلیارد دلار برآورد کرده بود؛ اما این رقم در حال حاضر به مراتب بیش از پیش‌بینی‌های اولیه است. تعدادی از کشورهای آسیایی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی، چین، سنگاپور، ژاپن و ... که در زمره سهامداران مؤسسات اعتباری ورشکسته یا زیان‌دیده در آمریکا و اروپا هستند نیز از این بحران آسیب‌های فراوانی دیده‌اند. با توجه به وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و کاهش قیمت حامل‌های انرژی در بازار جهانی و در نتیجه کاهش درآمدهای ارزی کشور، مطمئناً بحران جهانی می‌تواند بر اقتصاد کشور ما نیز تأثیرات قابل تأملی داشته باشد. در این مقاله ضمن بررسی تأثیر بحران مالی غرب بر اقتصاد جهان و ایران، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی اقتصاد ایران در شرایط بحران مالی جهانی شناسایی شده و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و

۱- اگر چه این مقاله در ایام بحران مالی سال گذشته به رشته تحریر درآمده و بسیاری از تحلیل‌ها و پیشنهادات مربوط به آن زمان

است، ولی در شرایط عمومی بسیاری از چنین بحران‌هایی قابل مراجعه می‌باشد (فصلنامه راهبرد یاس).

۲- کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه سمنان و مدرس دانشگاه، mojtaba.zargar@gmail.com

۳- کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه تبریز

مدارک موجود، راهکارهایی عملی برای کاهش تبعات منفی این بحران بر اقتصاد کشور ارائه شده است.

## واژگان کلیدی: بحران مالی، اقتصاد جهانی، ایران، فرصت‌ها، تهدیدها، راهکارها.

### مقدمه

بحران در بازارهای مالی غرب که در حقیقت به وقایع پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی مربوط می‌شود، از اواسط اوت سال ۲۰۰۷ میلادی با انتشار گزارش‌هایی مبنی بر وجود مشکلاتی در برخی از مؤسسات اعتباری فعال در بخش مسکن در آمریکا آغاز شد. در ماه‌های بعدی در بخش‌های مالی ایالات متحده آمریکا و شمار دیگری از کشورهای غربی انعکاس یافت و به تدریج به اغلب کشورهای جهان، از جمله کشورهای جنوب غرب آسیا و خاورمیانه گسترش یافت (عطائی و عزیزنژاد، ۱۳۸۷: ۲).

بحران مزبور ابتدا در بازار مسکن مشاهده شد. افزایش روز به روز قیمت مسکن در آمریکا و کشورهای اروپایی منجر به افزایش اعطای تسهیلات مسکن از طرف مؤسسات مالی و اعتباری به این بخش شد و بسیاری از وام‌های مسکن که در قالب سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی گسترش یافته بود، توسط مؤسسات مالی کشورهای مختلف خریداری و در اختیار عموم قرار گرفت. با توجه به حجم بالای مبادلات تجاری و تولید ناخالص داخلی آمریکا که حدود ۲۵ درصد از تولید ناخالص جهان را شامل می‌شود و با عنایت به اینکه بسیاری از شرکت‌ها و مؤسسات بزرگ آمریکایی در سطح بین‌المللی فعالیت دارند، لذا بحران مالی در آن کشور باعث ایجاد چالش و مشکلاتی در مبادلات تجاری در سایر کشورها شده است (میدری، ۱۳۸۸: ۱۳). به دلیل آنکه ظاهراً کشور ما پیوند ضعیفی با اقتصاد جهانی دارد، از لحاظ اقتصادی نسبت به کشورهای صنعتی و اقتصادهای نوظهور (از جمله کشورهای شرق آسیا)، کمتر تحت تأثیر بحران قرار گرفته است. اما کاهش قیمت نفت و رشد اقتصاد جهانی بر قیمت و حجم صادرات، سرمایه‌گذاری و منابع مالی و پولی کشورمان تأثیر گذاشته و خواهد گذاشت. لذا مطالعه دقیق پیامدهای بحران مالی جهانی و شناسایی فرصت‌های ناشی از بحران مزبور برای اقتصاد ایران از نهایت اهمیت برخوردار است و ضرورت ایجاد می‌کند که کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی با بررسی همه جانبه عوامل مؤثر در ایجاد این بحران، راهکارهای اساسی مقابله با آن‌ها را

شناسایی و ارائه نمایند.

بدین منظور در این مقاله زمینه‌های ظهور و شکل‌گیری بحران مالی جهانی، دلایل گسترش بحران مالی در سطح جهان و تأثیر بحران مالی غرب بر اقتصاد جهان، مورد بررسی قرار گرفته است. سپس بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، تأثیرپذیری اقتصاد ایران از بحران مالی جهانی به خصوص در بازارهای مالی و پولی بررسی شده و پس از بیان فرصت‌ها و تهدیدات ناشی از بحران مزبور، راهکارهایی عملی برای مقابله با بحران مالی و کاهش اثرات نامطلوب آن ارائه شده است.

### بحران مالی جهانی: زمینه‌های ظهور و شکل‌گیری

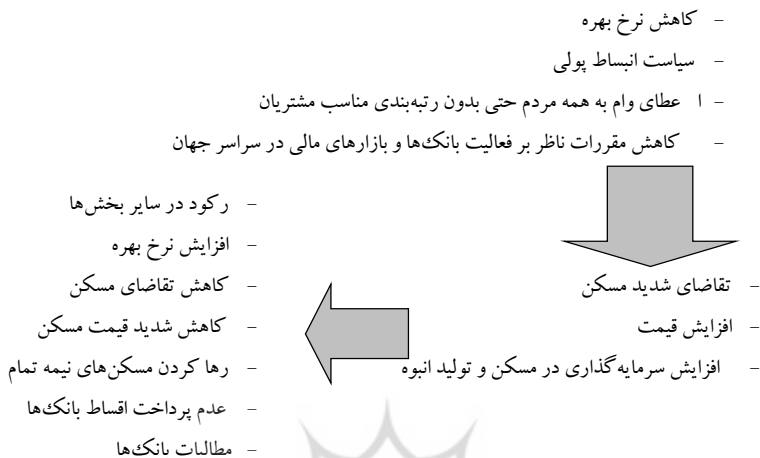
بحران‌های اقتصادی هر از چندگاهی به واسطه اتخاذ سیاست‌های نادرست پولی و مالی از سوی مدیران و گردانندگان اقتصاد، ترس و وحشتی فراگیر را بر سهام‌داران، سرمایه‌گذاران و عامه مردم تحمیل می‌کنند. با توجه به پیوند عمیق بازارهای مالی جهان با تکیه بر اقتصاد لیبرالیستی، هر نوع شوک و یا افت و خیز در یک بازار به سرعت بر دیگر بازارهای جهان نیز تأثیر می‌گذارد. بحران اقتصادی آمریکا بعد از حمله به برج‌های سازمان تجارت جهانی در سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی شروع و ناگهان شوک عظیمی که عمدتاً روانی و ناشی از عدم اطمینان به آینده بود را به بازارهای مالی وارد آورد (علمی، ب، ۱۳۸۷: ۶۰).

در سال ۲۰۰۱ بانک مرکزی آمریکا نرخ بهره کلیدی را برای مقابله با کندی فعالیت‌های اقتصادی و سقوط شاخص‌های بورس جهانی کاهش داد، به طوری که نرخ بهره از حدود ۶ درصد در مدت کوتاهی به حدود ۱ درصد کاهش یافت و از نرخ بهره بازار به تبع این کاهش به صورت کم‌سابقه‌ای کاسته شد. در اثر این کاهش بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی و خانوارها برای خرید مسکن اقدام به دریافت وام از بانک‌ها کردند و در نتیجه تقاضا برای خرید مسکن افزایش یافت. لیکن عرضه مسکن به همان میزان افزایش پیدا نکرد و با افزایش شدید قیمت مواجه گردید و در نتیجه موجب افزایش ساخت و ساز شد و در برهه‌ای به پیشی گرفتن عرضه از تقاضا و به تبع آن به رکود و کاهش قیمت مسکن منجر شد (فرهادی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۷). در ادامه این جریان، بحران اقتصادی، آمریکا را با افزایش میزان شاخص قیمت مصرف‌کننده و افزایش نرخ بهره بانکی رو به رو کرد و خانوارها نیز به دلیل ناتوانی در پرداخت اقساط وام رهنی اقدام به رهاسازی ملک خود به بانک‌های تسهیلات دهنده کردند.

در این حال خریداران زیان دیدند اما زیان بیشتر نصیب بانک‌ها شد، زیرا قیمت املاکی را که به جای باز پرداخت وام از مشتری تملک کرده بودند، از رقم وام پرداخت شده، بسیار کمتر بود. بانک‌های سرمایه‌گذاری آمریکا همچون لمن برادرز<sup>۱</sup> (چهارمین بانک بزرگ آمریکا)، مهمترین قربانیان این وضعیت بودند. زیرا مجبور شدند برای دریافت اقساط وام‌های پرداختی، املاک را تملک کنند و در نتیجه صدها میلیون دلار زیان دیدند. زمانی که زیان بانک‌های سرمایه‌گذاری همچون لمن برادرز علنی شد و این بانک‌ها مجبور به استقراض عظیم از دیگر بانک‌ها شدند، سهام‌داران آن‌ها با سرعت هر چه تمام‌تر سعی کردند برای جلوگیری از زیان خود اقدام به فروش سهامشان کنند. از سوی دیگر سپرده‌گذاران در بانک‌ها هم از ترس ورشکستگی این بانک‌ها اقدام به برداشت پول خود از این بانک‌ها نمودند و نتیجه آن شد که تعدادی از این بانک‌ها از جمله بانک بزرگ لمن برادرز ورشکسته شدند و حتی شرکت بیمه AIG که بزرگترین شرکت بیمه جهان بود، خود نیز در ورطه ورشکستگی گرفتار شده و ناتوان از ارائه کمک به چنین بانک‌هایی شد (میرعمادی، ۱۳۸۷: ۸۷).

با توجه به اینکه اکثر سپرده‌گذاران عمده بانک‌های ورشکسته شده، بانک‌ها و مؤسسات مالی معتبر دیگری در داخل و خارج از خاک آمریکا بودند، لذا آن‌ها نیز دچار کسری مالی عظیمی شدند. به این ترتیب مشکل یک بانک به بانک دیگر و به سرعت به کل بازار سرمایه آمریکا و اروپا منتقل شد و بازارهای مالی را به صورت ناگهانی تحت تأثیر قرار داد. همچنین موارد مشابه لمن برادرز چندین بار تکرار شد و بانک‌ها و مؤسسات مالی بزرگ آمریکا در اثر همین بحران وام مسکن، دچار زیان‌های مالی گزاف شدند. سهامداران این بانک‌ها عمدتاً بانک‌های اروپایی و آسیایی بودند و این بحران دامن آن‌ها را هم گرفت. با زیان شدید این بانک‌ها سهام آن‌ها در بورس‌های کشورهایشان به شدت سقوط کرد و سایر بنگاه‌های بزرگ اقتصادی که از وام این بانک‌ها بهره‌مند می‌شدند، به نوبه خود دچار بحران شدند. به این ترتیب دامنه بحران مالی آمریکا روز به روز وسعت بیشتری پیدا کرد (علمی، ۱۳۸۷: ۱۱). نگاره زیر فرایند شکل‌گیری بحران مالی جهانی را به صورتی ساده نمایش می‌دهد:

### شکل گیری بحران



### دلایل ایجاد و گسترش بحران مالی در سطح جهان

- ۱- این بحران از بازارهای خارج از بورس که نظارت و شفافیت کمتری داشته و افشای اطلاعات درست در آنها انجام نشده، شروع گردیده؛ اما نبود مکانیزم کنترلی، مهمترین علت این بحران در این شرکت‌ها بوده است. توضیح اینکه در سال‌های اخیر به منظور رقابتی کردن بازارهای مالی در اروپا و آمریکا علاوه بر بورس‌ها، به شبکه‌های الکترونیکی (ECN) و بازارهای چندجانبه (MEF) نیز اجازه معاملات سهام داده شده است و بانک‌های سرمایه‌گذاری و مؤسسات بی‌شمار دیگری، درگیر طراحی و معامله ابزارهای مالی در بازارهای پولی و سرمایه شده‌اند. برای مثال مؤسساتی که تحت نظارت مقام‌های پولی نیستند، مجاز به پرداخت وام‌های مسکن شده و این وام‌ها بعدها در قالب اوراق بهادار از طریق مؤسسات تأمین سرمایه وارد بازارهای مالی شده‌اند.
- ۲- بحران اقتصادی جهانی را می‌توان به عنوان پیامد جانبی جهانی شدن نیز در نظر گرفت. در واقع از میان رفتن مرزهای مالی و اقتصادی کشورها، مؤسسات مالی عمده جهان و دیگر

- مؤسسات اقتصادی را در شبکه‌ای پیچیده از ارتباطات غرق کرده است که ناکامی هر یک از مؤسسات ممکن است در قالب اثر دومینویی<sup>۱</sup> کل نظام مالی جهان را به مخاطره اندازد.
- ۳- علی‌رغم جهانی شدن بازار، مدیریت جهانی نشده است و تعادل طبیعی که وجود داشت از بین رفته و آسیب‌پذیری بازار مالی نیز از همین جا آغاز شده است. برآورد ارزش بازار بورس جهانی نشان می‌دهد که ۲۰ هزار میلیارد دلار از ثروت مردم جهان در بحران اخیر از میان رفته است که این سوءمدیریت صنعت مالی باعث شده به حیثیت اقتصادی آمریکا به عنوان یک اقتصاد پیشرو ضربه جبران‌ناپذیری وارد شود به نحوی که امروز سرمایه‌گذاران، کمتر آمریکا را به عنوان یک مکان امن برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌کنند.
- ۴- همان طور که بحران اقساط مسکن نشان می‌دهد افزایش و در هم تنیدگی واسطه‌های مالی بین‌المللی باعث تشدید بحران در بعد جهانی شده است (کیال، ۱۳۸۷: ۱۲-۳).

### تأثیرات بحران مالی بر اقتصاد جهان

بحران مالی آمریکا که به تدریج به یک بحران اقتصادی گسترده تبدیل شد، تاکنون هزاران میلیارد دلار به اقتصاد دنیا آسیب رسانده است. مسلماً محاسبه دقیق زیان‌های ناشی از این بحران کار ساده‌ای نیست و به زمان بسیار بیشتری نیاز دارد، لیکن مطالعه و بررسی نتایج و پیامدهای بحران مالی اخیر برای اقتصاد جهان با توجه به گستره تأثیرات و فراگیری آن امری لازم و ضروری می‌باشد. لذا در این بخش مهمترین پیامدهای منفی بحران مالی اخیر برای اقتصاد جهان به شرح ذیل بیان شده است:

- عدم سپرده‌گذاری نزد بانک‌های سرمایه‌گذاری و تجاری؛
- افزایش نرخ بهره بین بانکی؛
- افزایش نوسانات نرخ ارز در بازارهای بین‌المللی؛
- افزایش نگرانی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از کاهش ارزش دارایی‌ها؛
- نگرانی از باز پرداخت نکردن تعهدات مشتریان به علت رکود اقتصادی؛
- احتمال ورشکستگی بانک‌ها در اثر از پرداخت نکردن اعتبارات؛
- کاهش تولیدات در سطح جامعه؛

- افزایش بیکاری بر اساس رکود در بخش‌های اقتصادی؛
- افزایش بی‌اعتمادی در مبادلات اقتصادی و تجاری؛
- کاهش شاخص‌های اقتصادی و تقلیل درآمد ملی؛
- افزایش نرخ تورم در کشورهایی که تراز بازرگانی آن‌ها نامتعادل است؛
- کاهش کیفیت کالاها و خدمات تولیدی بنگاه‌های اقتصادی؛
- کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاری؛
- کاهش رشد تولید ناخالص ملی کشور؛
- کاهش سطح مبادلات بین‌المللی؛
- کاهش تقاضای کل برای خرید کالاها؛
- محدود شدن ورود سرمایه‌ها در بخش‌های اقتصادی؛
- منفی شدن تراز تجاری کشورهای تک محصولی؛
- کاهش انتقال سرمایه خارجی به کشورهای در حال توسعه؛
- کاهش میزان کمک‌های کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای کم‌رشد و فقیر (و در نتیجه محقق نشدن اهداف برنامه ملل متحد برای هزاره سوم در زمینه توسعه اقتصادی)؛
- کاهش ارزش سهام در بازار سرمایه؛
- ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی ناشی از عدم فروش تولیدات؛
- کاهش پس‌اندازهای ملی در سطح کلان؛
- کاهش درآمدهای عمومی دولت‌ها؛
- کاهش درآمدها و مصارف خانوارها؛
- افزایش کسری بودجه دولت‌ها.

### تأثیرپذیری اقتصاد ایران از بحران مالی جهان

اقتصاد ایران وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارد و هرگونه تغییر در قیمت فروش نفت خام می‌تواند تأثیر شدیدی بر وضعیت مالی دولت وارد کند. از آنجایی که درآمد حاصل از فروش نفت خام پس از تبدیل به ریال در قالب هزینه‌های جاری و عمرانی دولت به جامعه تزریق می‌شود، در این نوشتار تأثیر حاصل از افزایش و کاهش قیمت نفت با توجه به بحران مالی غرب بررسی می‌شود و آثار احتمالی آن بر اقتصاد و بازارهای مالی و پولی کشور مورد تحلیل قرار

### تأثیر بحران بر قیمت نفت

از مهمترین عوامل تأثیرپذیر از شرایط بحران مالی جهان، می‌توان به قیمت نفت و تأثیر آن بر شاخص‌های اقتصادی در کشور اشاره کرد. برای کشورهای صادرکننده انرژی تقلیل قیمت نفت به مفهوم کاهش شدید درآمدهای ارزی است. بنابراین کشورهایی مانند ایران که اقتصادی کاملاً وابسته به نفت دارند، از اثرات بحران مصون نخواهند بود. کاهش قیمت نفت علاوه بر اثر منفی که بر تولیدات داخلی دارد، از درآمدهایی که برای واردات و تنظیم بازار داخلی برای مقابله با تورم مصرف می‌شود، خواهد کاست. این امر با توجه به وابستگی صنایع تولیدی به مواد اولیه و تجهیزات وارداتی، موجبات کاهش تولید و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) را فراهم خواهد کرد. همچنین ادامه این روند میلیاردها دلار از درآمدهای پیش‌بینی شده دولت را کاهش خواهد داد. بعلاوه کاهش درآمدهای نفتی ناشی از تقلیل قیمت جهانی آن، منجر به کاهش موجودی حساب ذخیره ارزی و ایجاد کسری بودجه ارزی، کسری بودجه عمومی و ایجاد مشکل تأمین ارز برای بیش از ۷۰ میلیارد دلار کالا و خدمات وارداتی می‌گردد و ضرورت دارد که آثار کاهش قیمت نفت بر جنبه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور به دقت پیش‌بینی شود. به نظر می‌رسد که راهکار اصلی مقابله با کاهش قیمت نفت، اتخاذ سیاست‌های انقباضی در بخش واردات و کاهش هزینه‌های دولت باشد.

### تأثیر بحران در کاهش درآمدهای دولت

از یک سو به علت رکود اقتصادی جهان، مصرف انرژی به شدت کاهش می‌یابد که این امر کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی را به دنبال دارد. این مسأله برای کشورهای همچون ایران که دارای اقتصاد تک محصولی هستند، ایجاد مشکل می‌کند. از سوی دیگر کشورهای دارای اقتصاد بزرگ برای جلوگیری از کاهش رشد اقتصادی، بازارهای داخلی خود را برای مصرف بیشتر تحریک خواهند کرد تا کاهش صادرات را جبران کنند. بنابراین صادرات غیرنفتی ما نیز دستخوش تهدیدات جدی شده و موجب کاهش درآمد غیرنفتی کشور می‌گردد.



## کاهش ذخایر ارزی ایران

در اثر عواملی نظیر کاهش درآمد نفت در صورتی که برداشت‌های بیش از اندازه از حساب ذخیره ارزی صورت گیرد، موجودی حساب ذخیره ارزی به شدت کاهش خواهد یافت. تداوم برداشت از حساب ذخیره ارزی (همانند چند سال گذشته) نه تنها موجب خالی شدن این حساب می‌شود، بلکه هزینه کردن آن نیز موجب افزایش نقدینگی و تورم در اقتصاد ایران خواهد شد و در سایه تورم و کاهش قدرت خرید قشرهای کم درآمد و حقوق‌بگیر، فشار شدیدی به این قشرها وارد می‌شود. این امر موجب افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و پایه پولی و در نهایت افزایش نقدینگی و تورم می‌شود. در نتیجه از جمله آثار منفی بحران، کاهش حساب ذخیره ارزی در کشور و به دنبال آن کاهش توانایی دولت در تأمین هزینه‌های عمرانی و سایر موارد خواهد بود.

## تورم وارداتی کالاها

همانطور که اشاره شد، کاهش قیمت نفت منجر به کاهش درآمدهای ارزی دولت می‌شود. از طرفی در زمینه کالاهای وارداتی اگر چه رکود موجود باعث کاهش بهای تمام شده کالا و در نهایت ارزان‌تر شدن این کالاها شده است؛ اما به دلیل متناسب نبودن این کاهش قیمت با کاهش درآمدهای ارزی، همچنان تورم وارداتی به کشور تحمیل می‌شود.

## کاهش بازدهی نرخ سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ تورم

با کاهش درآمدهای دولت، تزریق منابع مورد نیاز به واحدهای تولیدی به طور چشمگیری کاهش خواهد یافت. این امر با توجه به کاهش درآمد خانوارها و پس‌اندازها و عوامل تولیدی از یک سو و بالا بودن نرخ تورم از سوی دیگر باعث کاهش نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری شده و خطر رکود اقتصادی با شدت بیشتری را در اقتصاد ایران به دنبال دارد.

## افزایش نرخ بیکاری در کشور

بروز رکود در صنایع باعث می‌شود که شرکت‌های تولیدی برای حفظ وضعیت موجود و قرار گرفتن در نقطه سر به سر (نقطه تعادل هزینه‌ها و درآمدها) اقدام به کاهش هزینه‌های متغیر نمایند که اولین تأثیر آن کاهش دستمزد نیروی کار و در نتیجه ایجاد وضعیت بی‌ثبات در بازار کار بویژه برای نیروی قراردادی است و این امر افزایش بیکاری را در بر خواهد داشت.

### تأثیر بحران بر بازار کالاهای صادراتی

چنانچه رکود در بازار جهانی ادامه یابد، قدرت خرید مردم در کشورهای غربی نیز پایین می‌آید و صادرات کالاهای غیرنفتی که غالباً از نوع کالاهای لوکس هستند (نظیر فرش، خشکبار و زعفران) دچار محدودیت می‌شود. ادامه رکود در بازارهای جهانی بر صادرات نفت خام و حتی صادرات محصولات پتروشیمی نیز تأثیر گذاشته و موجب کاهش حجم و ارزش آن می‌شود.

### تأثیر بحران بر کالاهای وارداتی

انتقال بحران از طریق افزایش نرخ ارز بر واردات و صادرات تأثیر می‌گذارد و به تبع آن بر حساب جاری، حساب سرمایه و تراز پرداخت‌ها اثر خواهد گذاشت. این وضعیت قیمت کالاهای وارداتی را افزایش می‌دهد و به تبع آن میزان واردات کاهش می‌یابد. از سوی دیگر کاهش بهای نفت و به دنبال آن کاهش درآمدهای دولت نیز موجب کاهش واردات می‌گردد. به علاوه با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از واردات کشور را ورود کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تشکیل می‌دهد، از این کانال نیز تولید در کشور با مشکل مواجه شده و ضمن افزایش هزینه‌های تولید داخلی و به تبع آن تورم، رکود را در پی خواهد داشت. اما از منظری دیگر، ورشکستگی شرکت‌های تولیدی در نقاط مختلف جهان احتمال حراج کالاها و کاهش قیمت در سطح بین‌المللی را نیز تقویت می‌نماید. در واقع رکود و بحران مالی جهانی، فرصت مناسبی برای دولت و بنگاه‌های اقتصادی است تا با حداقل قیمت‌ها به تأمین کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای - که برای کشورهای در حال توسعه نظیر ایران از اهمیت بالایی برخوردار است - مبادرت ورزند. البته این امر باید با نگاهی به ذخیره ارزی موجود و تراز تجاری و همچنین کسر بوجه موجود با احتیاط لازم انجام شود، به طوری که شرکت‌هایی که تولیدات آنها دارای تقاضای داخلی بالایی است، باید در اولویت قرار گیرند. طرح‌های ملی نظیر جاده، راه‌آهن، سد و ... نیز از اولویت‌های موجود در این مقطع برای تأمین کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای از طرف دولت می‌باشند.

علاوه بر این کاهش شدید قیمت کالاهای مصرفی در بازارهای جهانی، تهدید شدیدی برای تولیدات داخلی محسوب می‌شود. این کاهش قیمت‌ها نه بر اثر افزایش بهره‌وری، بلکه به علت کاهش تقاضا است و باعث پیدا شدن واسطه‌گرهای بسیار قدرتمند در داخل کشور برای فروش اجناس ارزان‌قیمت با کیفیت‌های بسیار عالی در قیاس با تولیدات داخلی در داخل کشور می‌شود. لذا واسطه‌گران حرفه‌ای و بازارهای زیرزمینی می‌باید با دقت هر چه بیشتر شناسایی شوند.

### تأثیر بحران بر بازار سرمایه

علی‌رغم اینکه بورس ایران یک بورس کاملاً داخلی و بدون مشارکت سهامداران خارجی است و بازار سرمایه ایران ارتباط کمی با بازارهای بین‌المللی سرمایه دارد، اما آثار روانی بحران بر بازار سرمایه و همچنین آثار غیرمستقیم آن از طریق کاهش سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و به دنبال آن، کاهش نقدینگی و کاهش رشد اقتصادی کشور انکارناپذیر است.

تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که در مواقع کاهش قیمت نفت، هزینه‌های عمرانی دولت کاهش یافته است. بنابراین با توجه به اینکه کاهش بودجه عمرانی، تقاضای دولت برای خرید کالاهای اساسی و پایه از جمله سیمان، مس، آهن‌آلات و همچنین خدمات پیمانکاری را کاهش می‌دهد؛ لذا این عوامل، علاوه بر تحدید رشد اقتصادی کشور و افزایش بیکاری، شرکت‌های تولیدکننده این محصولات را با کمبود تقاضا روبرو کرده و حاشیه سود آن‌ها را نیز کاهش می‌دهد.

در حال حاضر نیز، از یک سو با کاهش قیمت جهانی نفت و فقدان اعتبارات لازم در حساب ذخیره ارزی و از سوی دیگر با توجه به افزایش هزینه‌های جاری دولت طی سالیان اخیر بر اثر بزرگ‌تر شدن حجم دولت در اقتصاد کشور، سهل‌ترین اقدام برای دولت، کاهش هزینه‌های عمرانی است. زیرا این اعتبارات، به طور مستقیم از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌شوند. بنابراین در وضعیت کنونی، بحران به وجود آمده شرکت‌های تولیدکننده، محصولات اساسی را با کاهش سودآوری مواجه می‌کند.

همچنین با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از ارزش بازار سرمایه ایران در اختیار شرکت‌های تولیدکننده سیمان، فلزات اساسی و شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات فنی است و این شرکت‌ها نیز تحت تأثیر بحران، با کاهش سطح سودآوری مواجه می‌شوند، لذا بازار سرمایه کشور نیز به احتمال زیاد با افت قیمت‌ها روبرو خواهد شد. به علاوه رکود فراگیر جهانی همراه با کاهش تقاضا برای تولیدات صنایع صادرکننده کالا و به تبع آن کاهش درآمد این صنایع، موجب افت بیشتر شاخص بورس می‌گردد.

### تأثیر بحران بر بازار پول (بانک‌ها)

متأثر شدن صنایع داخلی از بحران مالی و به تبع آن کاهش تولیدات داخلی، باعث بروز بحران نقدینگی در میان صاحبان صنایع و در نتیجه باعث عدم بازگشت تسهیلات اعطایی و در نهایت افزایش میزان مطالبات معوق بانک‌ها می‌شود و این روند کاهش درآمد بانک‌ها و نقدینگی آن‌ها را به دنبال خواهد داشت که در پی آن با اعمال سیاست انقباضی از جانب بانک مرکزی، وام‌گیرندگان و نظام بانکی با مشکلاتی رو به رو خواهند شد. به طوری که حتی کاهش ذخیره قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی برای افزایش توان اعطای تسهیلات بانک‌ها نیز نمی‌تواند نیاز روزافزون وام‌گیرندگان بخش صنعت و خدمات را کفایت کند.

### تأثیر بحران بر برنامه خصوصی‌سازی و اجرای اصل ۴۴

از اثرات این بحران کاهش سود شرکت‌های تولیدی و صنعتی از جمله شرکت‌های دولتی و مشمول اصل ۴۴ است و در صورتی که تدابیر جدی برای مدیریت این نوع بحران‌ها و حمایت از آن‌ها اندیشیده نشود، می‌تواند سوددهی آن‌ها را کاهش دهد؛ به نحوی که امکان عرضه سهام آن‌ها به بخش خصوصی با افت و چالش شدید روبرو گردد.

### تأثیر بحران بر اعتبارات تخصیصی به بخش‌های اقتصادی

بحران مالی جهانی باعث محدود شدن اعطای اعتبارات به بنگاه‌های اقتصادی ایران شده است. شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی که در چند سال اخیر با پیچیده‌تر شدن روابط سیاسی ایران با غرب و با اعمال تحریم‌های آمریکا و صدور قطعنامه‌های سازمان ملل، با مشکلات عدیده‌ای برای تأمین مالی پروژه‌های خود از خارج از کشور مواجه بوده‌اند - به ویژه در دو سال گذشته که اعتبارات داخلی در پی اعلام سیاست‌های انقباضی نیز به شدت محدود شد - تلاش می‌کردند به هر طریقی از منابع مالی خارجی استفاده کنند. این بنگاه‌ها اکنون با شرایطی رو به رو شده‌اند که محدودیت اعتباری جهان نیز به ابعاد بحرانی رسیده است. به طوری که در حال حاضر دریافت تسهیلات از بانک‌های ایرانی و بانک‌های خارجی امکان‌پذیر نیست. بحران مالی جهانی باعث محدودیت هر چه بیشتر دسترسی ایرانیان به منابع مالی خارجی برای تأمین مالی پروژه‌ها شده است. همچنین مشکل نقدینگی موجود در داخل کشور سبب افزایش مطالبات معوق بانک‌ها و به تبع آن باعث منفی شدن موقعیت حساب‌های بانک‌های دولتی نزد بانک مرکزی شده و در نتیجه امکان

پرداخت تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های اقتصادی را با محدودیت شدید مواجه کرده و باعث رکود مضاعف در بخش تولید شده است.

### تأثیر بحران بر نرخ بهره بین بانکی

در حالی که بانک مرکزی آمریکا به همراه بانک مرکزی اروپا و بانک مرکزی سوئیس، کانادا و انگلستان برای مقابله با رکود فعالیت‌های اقتصادی، نرخ بهره کلیدی خود را بارها کاهش داده‌اند؛ لیکن جوّ بی‌اعتمادی حاکم بر بازار پول، موجب افزایش نرخ بهره بین بانکی در ابزارهای غیررسمی جهانی شده است. لذا اعطای سپرده به بانک‌های خارجی این قابلیت را دارد که موجب افزایش درآمد ارزی کشور شود؛ اما از سوی دیگر وجود تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی برای ایران باعث می‌شود تا اگر بانک‌های کارگزار خارجی نیز تقاضای دریافت سپرده کنند، قابل اعتماد نبوده و ریسک بازگشت اصل سرمایه را به همراه خواهد داشت.

### فرصت‌ها و تهدیدات پیش روی اقتصاد ایران در شرایط بحران مالی جهانی

علی‌رغم تأثیرات منفی بحران مالی جهانی بر اقتصاد ایران، کشور ما با توجه به پتانسیل‌های فراوان در برخورد با این بحران از فرصت‌های مثبتی نیز برخوردار است که باید با درایت از این فرصت‌ها بهره‌جوید و با تدبیر، بازتاب‌های منفی بحران بر اقتصاد ایران را به حداقل برساند. در این بخش به مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از بحران مالی جهانی پرداخته می‌شود:

#### الف) فرصت‌ها:

۱- مهمترین و اصلی‌ترین فرصت برای کشور ما از این بحران این است که با حمایت قانونمند و با ثبات از سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری و کاهش ریسک از طریق ایجاد ثبات در فعالیت‌های اقتصادی و حمایت واقعی و درست از تولید و بخش خصوصی، زمینه‌های جذب سرمایه‌های بحران‌زده خارجی، به خصوص ایرانیان خارج از کشور را که بسیار آماده و مستعد جذب به داخل هستند، فراهم نماییم؛

۲- جذب صحیح سرمایه‌های خارجی به صنایع و بازار سرمایه از طریق بکارگیری ابزارهای مناسب؛ نظیر بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری در راستای حمایت از

- تولید و کمک به اجرای سریع تر اصل ۴۴ در واگذاری شرکت های دولتی؛
- ۳- اقدام مستقیم دولت یا بخش خصوصی برای خرید و انتقال صنایع مهم، دارای ارزش افزوده و فناوری بالا و راهبردی به داخل کشور؛
- ۴- کاهش قیمت کالاهای سرمایه ای در کشورهای غربی و امکان ورود این کالاها با قیمت مناسب؛
- ۵- کاهش نرخ بهره در کشورهای اروپایی و استفاده از خطوط فابنانس آن ها با نرخ پایین تر؛
- ۶- ایجاد مزیت رقابتی در سیستم بانکی در مقایسه با سایر حوزه ها از طریق افزایش نرخ بهره بانکی به منظور جلوگیری از ایجاد موج جدید تورم و حل مشکلات کمبود نقدینگی بانک ها؛
- ۷- بحران باعث گرفتاری دولت های متخاصم می شود و به طور نسبی فرصت تنفس برای کشور فراهم می آورد. به علاوه تحریم های بین المللی علیه ایران تا حدودی آثار مشابه از نظر زیان و هزینه برای ایران داشته، ولی از سوی دیگر ایران را از برخی آثار محتمل تا حدود زیادی مصون نگه داشته است. برای مثال عدم پذیرش سرمایه های ایران در بازارهای توسعه یافته و یا نوظهور تا حدودی مصونیت خطای در تصمیم برای بانک ها و سایر مؤسسات دولتی و حتی خصوصی ایرانی را، هر چند ناخواسته ایجاد کرده است؛
- ۸- افزایش قدرت چانه زنی خریداران، امکان تدارک بهتر برای نیازهای کشور را فراهم کرده است؛
- ۹- با توجه به پایین بودن ضریب P/E در بازار بورس ایران، فرصت مناسبی برای جذب سرمایه گذاری خارجی در پرتفوی وجود دارد؛
- ۱۰- با توجه به مشکلات زیاد برخی از کشورها، امکان فعال شدن دیپلماسی و سایر ابزارها برای ایجاد تغییر راهبردی در مواضع کشورها و گروه ها و شرکت های هدف، محتمل است؛
- ۱۱- بازگشت سرمایه توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور با برنامه ریزی صحیح می تواند یک فرصت طلایی باشد. اگرچه ممکن است این امر در کوتاه مدت با بسط پایه پولی

و در نتیجه افزایش نقدینگی، زمینه ایجاد تورم را فراهم سازد، اما در بلند مدت با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها با کمک به بخش عرضه، از فشارهای تورمی خواهد کاست؛

۱۲- در موقعیت کنونی سهام اکثر شرکت‌ها و بانک‌های معتبر به شدت افت کرده است. لذا خرید سهام این گونه شرکت‌ها در کشورهایی که روابط تجاری نسبتاً خوبی با آن‌ها وجود دارد، همانند کره جنوبی می‌تواند ضمن سودآوری در آینده نزدیک، محل خوبی نیز برای سرمایه‌گذاری دارایی‌های ارزی ایران باشد؛

۱۳- با توجه به کاهش تقاضا در جهان برای کالاهای صادراتی، بهترین زمان برای خرید کالاهای ضروری با قیمت کمتر است که بالطبع باعث کاهش نرخ تورم در ایران خواهد شد.

### ب) تهدیدها:

مهمترین تهدیدهای ناشی از بحران مالی برای اقتصاد ایران به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱- به علت رکود در اقتصاد جهان، مصرف انرژی به شدت کاهش می‌یابد و این کاهش تقاضا به افت بهای نفت در بازارهای جهانی منجر می‌شود. این مسأله بالطبع کشورهایی مثل ایران را که درآمدهای نفتی بخش عمده‌ای از درآمد آن‌ها را تشکیل می‌دهد، تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین باید به این نکته توجه داشت که در سال‌هایی که قیمت نفت بالا بوده، سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در کشف و استخراج آن آغاز شده است که در آینده‌ای نزدیک به بهره‌برداری می‌رسد و باعث افزایش عرضه و کاهش بیشتر قیمت نفت نیز خواهد شد؛
- ۲- رکود شدید در صنایع تولیدی و صنعتی در خارج از کشور باعث کاهش تقاضا و مصرف می‌شود و در نتیجه کاهش زیادی در حجم و قیمت محصولات صادراتی کشور که بیشتر محصولات خام و مواد اولیه هستند نیز رخ می‌دهد؛
- ۳- افزایش مصرف کالاهای وارداتی به علت کاهش سطح قیمت‌های بین‌المللی؛
- ۴- قطع خطوط ارتباطی ناشی از افت شدید تجارت بین‌المللی؛
- ۵- خروج سرمایه و نقدینگی از صنایع مولد و تولیدی و سرمایه‌گذاری و سرازیر شدن آن

به بازارهای کوتاه مدت و واردات به علت افزایش بازده ناشی از کاهش قیمت جهانی و کمک به تشدید واردات؛

۶- با نمایان شدن اثرات این بحران بر صنایع تولیدی و مولد کشور، کاهش سود و بازده و ارزش آن‌ها در بازار سرمایه نمایان می‌شود. در نتیجه نه تنها روند سرمایه‌گذاری در کشور با کاهش بیشتری روبرو می‌شود، بلکه روند واگذاری شرکت‌های دولتی و استقبال از این امر و اجرای اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی با چالش شدید و جدی روبرو خواهد شد؛

۷- کاهش درآمدهای ناشی از صادرات نفتی و غیرنفتی؛

۸- کاهش نرخ رشد و تولید ناخالص ملی؛

۹- افزایش بیکاری پنهان و آشکار بخش تولیدی؛

۱۰- کاهش ذخایر ارزی کشور با توجه به تنزل درآمدهای ارزی؛

۱۱- کاهش سودآوری بانک‌ها با توجه به محدود شدن حجم اعتبارات اسنادی؛

۱۲- رکود حاکم بر اقتصاد کشورهای غربی کم و بیش بخش تجارت خارجی و فعالیت‌های وابسته به آن در داخل کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجبات رکود در بخش‌های مختلف اقتصادی را فراهم می‌کند و این امر مشتریان بانک‌ها را از نظر بازپرداخت تسهیلات با مشکلاتی روبرو می‌کند. بنابراین احتمال معوق شدن برخی از تسهیلات دور از انتظار نخواهد بود؛

۱۳- افزایش نرخ تورم جهانی، هزینه مبادله و واردات کالا به کشور را افزایش می‌دهد و دیگر همانند گذشته سیاست‌های تجاری تشدید واردات کالا نمی‌تواند در مهار رشد نرخ تورم مؤثر واقع شود، به عبارت دیگر نرخ رشد تورم را نمی‌توان با واردات کاهش داد؛

۱۴- به رغم ارتباط نداشتن بازار سهام ایران با بازارهای بین‌المللی، کاهش ارزش سهام صنایع در بازار سهام تهران و بازارهای استانی در ماه‌های اخیر بر استدلال جزیره‌ای بودن اقتصاد ایران و تأثیرناپذیری آن از اقتصاد جهانی خط بطلان می‌کشد؛

۱۵- مخاطرات موجود برای امنیت ذخایر و دارایی‌های خارجی بانک‌های ایرانی، و پایین بودن توان بسیاری از بانک‌های مقصد در نگهداری ذخایر ارزی و دارایی‌های خارجی



### بانک‌های ایرانی؛

- ۱۶- کاهش قدرت چانه‌زنی کشور در مباحث هسته‌ای به دلیل کاهش قیمت نفت؛
- ۱۷- کاهش احتمالی قیمت فولاد و محصولات پتروشیمی و سایر کالاهای صادراتی؛
- ۱۸- کاهش ارزش یورو به عنوان ارز اصلی ذخایر کشور.

### راهکارهای پیشنهادی برای استفاده از فرصت‌ها و کاهش تهدیدات

در این بخش با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک موجود، به برخی از راهکارهای پیشنهادی برای استفاده از فرصت‌ها و کاهش مخاطرات ناشی از بحران مالی جهانی اشاره می‌شود:

- ۱- تشریح و تبلیغ همراه با دلیل در سطح داخلی و بین‌المللی مبنی بر ناچیز بودن اثر بحران جهانی بر کشور ما و آسیب‌پذیری کم ایران از این بحران همراه با تأکید بر اسلامی بودن اقتصادمان به طور مداوم و از طریق رسانه‌ها؛
- ۲- گسترش همکاری‌های تجاری و پولی در چارچوب موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای و پیمان‌های اقتصادی؛
- ۳- اهتمام و توجه بیشتر و تسریع در اجرای اصل ۴۴ و برنامه خصوصی‌سازی از طریق سوق دادن جامعه به سرمایه‌گذاری در بازار بورس؛
- ۴- فراهم کردن زمینه جذب سرمایه‌های خارجی به کشور و سوق دادن آن‌ها به حوزه‌های تولیدی و صنعتی و بازار سرمایه از طریق: تعدیل تعرفه‌ها و عوارض گمرکی برای کالاهای سرمایه‌ای و اعطای امتیازات و حمایت بیشتر از سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات کالاها؛
- ۵- کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشور با ایجاد ثبات در قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی؛
- ۶- انتشار اوراق قرضه بین‌المللی: با انتشار اوراق قرضه یا اوراق مشارکت در سطح بین‌المللی می‌توانیم از سرمایه‌های سرگردان خارجی که حتی جرأت نگره داشتن پول خود در بانک‌ها را نیز ندارند، جهت تأمین منابع مالی مورد نیاز استفاده کنیم. در شرایط ناامن و بحران‌زده کنونی اقتصاد در جهان، انتشار اوراق با تضمین از سوی دولت می‌تواند انگیزش و جذابیت‌های فراوان داشته باشد. از طرف دیگر با توجه به

نرخ بهره در جهان و مقایسه آن با نرخ داخلی بهره، هزینه دستیابی به پول برای دولت جهت پیشبرد اهداف و سیاست‌های کلان اقتصادی، حتی از انتشار اوراق مشارکت در داخل کشور ارزان‌تر بوده و می‌تواند جهشی را در سرعت اجرای طرح‌های عمرانی در کشور فراهم آورد؛

۷- حذف یا تقلیل قوانین حمایتی دولت از یارانه کالاها و خدمات به منظور افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران؛

۸- حمایت از تولیدکنندگان داخلی در مقابل محصولات وارداتی و ایجاد محدودیت‌های ویژه در کالاهای غیرضروری و دارای مشابه داخلی؛

۹- اعطای تسهیلات ارزان بهره به واحدهای تولیدی و صادراتی که از لحاظ تأمین نقدینگی با مشکل مواجه شده‌اند؛

۱۰- برنامه‌ریزی در جهت کاهش وابستگی کشور به مواد خام و کالاهایی که به شدت از نوسانات بین‌المللی تأثیر می‌پذیرند؛

۱۱- توسعه و گسترش صنعت گردشگری در کشور؛

۱۲- کاهش نرخ مالیات بر واحدهای تولیدی و معاف کردن آن‌ها از پرداخت مالیات؛

۱۳- ارائه تسهیلات و حمایت‌های فنی و اطلاع‌رسانی، تجاری و مدیریتی به واحدهای تولیدی؛

۱۴- تغییر سیاست‌های دولت از ایجاد اشتغال‌های جدید به سمت حفظ اشتغال موجود در بنگاه‌های کوچک و متوسط با توجه به چالش‌های پیش روی واحدهای تولیدی و اقتصادی کشور در سال جاری و در سال آینده؛ بدین منظور می‌بایست تسهیلات لازم با سهولت بیشتری در اختیار واحدهای موجود که مورد تأیید تشکل‌های آنان است، قرار گیرد؛

۱۵- نظارت شدید بر عملکرد شرکت‌هایی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته می‌شوند و حصول اطمینان از رعایت کامل استانداردهای بین‌المللی گزارش‌دهی و حسابداری از سوی آنان و شفافیت صورت حساب‌هایی که ارائه می‌دهند و تعبیه مکانیسم‌هایی برای اطلاع‌رسانی مستمر به سهامداران و تضمین سپرده‌های بانکی - تا سقف معین - می‌تواند در پیشگیری از کاهش تبعات بحران جهانی مؤثر باشد؛

۱۶- کاهش مداوم ارزش دارایی‌های خارجی، فرصت مطلوبی را برای تبدیل بخشی از ارزهای نفتی به دارایی‌های ارزآور و درآمدآفرین، میسر می‌سازد. به نظر می‌رسد در صورت اتخاذ سیاست‌های مناسبی در این خصوص بتوان بخشی از افزایش درآمدهای نفتی را که ماهیتی موقت دارند، به دارایی‌های درآمدآفرین پایدارتر تبدیل و از تزیق منافع آن به اقتصاد بهره گرفت. چنین رویکردی به طریق اولی، از آثار سوء پمپاژ بی‌رویه ارز نفتی به اقتصاد با قدرت جذب پایین، می‌کاهد.

### راهکارهایی برای کاهش تبعات منفی بحران در نظام پولی و بانکی کشور

- ۱- پرداخت تعهدات و بدهی دولت به بانک‌ها؛
- ۲- حمایت دولت به منظور برطرف کردن مشکلات نقدینگی بانک‌ها برای افزایش توان اعتباری؛
- ۳- حمایت دولت و بانک مرکزی از پرداخت تسهیلات ارزی بلندمدت برای پروژه‌های نیمه تمام عمرانی؛
- ۴- افزایش در اعطای خطوط ریفاینانس برای خرید کالا و خدمات خارجی؛
- ۵- ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها یا تراز بازرگانی برای اخذ آسان‌تر وام از نهادهای مالی بین‌المللی؛
- ۶- ایجاد بستر مناسب برای استفاده از ابزارهای پوششی هجینگ<sup>۱</sup> در جهت حذف ریسک ناشی از نوسانات نرخ ارز در مقابل ریال؛
- ۷- افزایش نرخ سود سپرده‌های ارزی برای جذب سپرده‌های خارجی؛
- ۸- بازنگری در سبد ارزی سیستم بانکی کشور با توجه به نوسانات نرخ ارز؛
- ۹- تضمین سپرده‌های مردم و اشخاص توسط بانک مرکزی و از طریق پوشش‌های بیمه‌ای با حمایت دولت؛
- ۱۰- لزوم بازنگری در پرتفوی ذخایر ارزی بانک‌ها (ایجاد تنوع در ترکیب ذخایر ارزی)؛
- ۱۱- ترغیب و تشویق آحاد جامعه برای سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها؛
- ۱۲- برنامه‌ریزی برای کاهش مطالبات معوق نظام بانکی و ممانعت از افزایش بی‌رویه نرخ

- سود سپرده‌ها و تسهیلات توسط بانک‌ها برای مقابله با رکود سرمایه‌گذاری و نقدینگی؛
- ۱۳- اتخاذ راهکارهای نوین وصول مطالبات معوق بانک‌ها با استفاده از ابزارهای تشویقی و حذف وجه التزام از طریق مراکز رسمی؛
- ۱۴- صدور مجوز فروش اوراق مشارکت و گواهی سپرده بی‌نام به منظور تأمین مالی بانک‌ها؛
- ۱۵- ترویج و توسعه فرهنگ استفاده از اعتبار در حساب جاری در قالب عقد خرید دین؛
- ۱۶- اعطای تسهیلات بلندمدت برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت؛
- ۱۷- ترویج و توسعه خرید اسناد تجاری از طریق عقد خرید دین؛
- ۱۸- صدور اوراق بهادار برای اسناد رهنی بانک برای تأمین منابع مالی؛
- ۱۹- افزایش خدمات‌دهی بانک‌ها به صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی؛
- ۲۰- افزایش ابزارهای پول الکترونیکی و کاهش اسکناس در دست اشخاص از طریق بانکداری مجازی؛
- ۲۱- ایجاد الگوهای جدید برای رتبه‌بندی بانک‌ها به منظور کاهش ایجاد بحران‌های جدید؛
- ۲۲- توصیه به تودیع سپرده‌گذاری در نزد بانک‌های خارجی که سپرده‌های آنان از طریق بانک مرکزی آن کشورها و یا مؤسسات بیمه تضمین شده‌اند؛
- ۲۳- تشکیل کمیته مدیریت برای دارایی‌ها و بدهی‌ها متشکل از کارشناسان خبره بانک‌ها تحت نظارت بانک مرکزی؛
- ۲۴- ایجاد کمیته‌ای تحت عنوان کمیته بحران برای پیش‌بینی بحران‌های آتی و ارائه راهکارهای مناسب جهت مقابله با تبعات منفی این گونه بحران‌ها.

### نتیجه

بحران مالی غرب در ایران به صورت مستقیم از طریق کاهش قیمت نفت باعث کاهش تولید ناخالص داخلی ایران و در نتیجه باعث افزایش کسر بودجه می‌گردد که در اثر تأمین کسر بودجه از طریق استقراض از دولت، افزایش مجدد تورم پیش‌بینی می‌شود. فشار برای تأمین کسر بودجه از طریق افزایش مالیات نیز نارضایتی عمومی را به دنبال دارد. در بخش صادرات نیز با بروز

بحران، با کاهش تقاضا مواجه خواهیم شد. در زمینه واردات، کاهش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به نفع اقتصاد ایران است. ولی کاهش قیمت کالاهای مصرفی می‌تواند باعث به وجود آمدن واسطه‌گرهای قدرتمند برای ورود کالاهای مصرفی و یا پیدایش اقتصاد نوین زیرزمینی در ایران شود. ورشکستگی گیرندگان تسهیلات نیز موجب پیدایش موج جدیدی از مطالبات معوق برای بانک‌ها می‌گردد. همچنین کاهش تقاضای جهانی می‌تواند باعث کاهش قیمت‌های سهام شرکت‌های صادرکننده محصولات در کشور گردد.

در این راستا مسلماً اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه بهتر از درمان است و در هر بخش باید پیشگیری از بحران در دستور کار قرار گیرد. در چنین حالتی استفاده از تجارب کشورهای غربی و همچنین استقلال بانک مرکزی برای اعتمادسازی در اقتصاد می‌تواند تهدیدها را به فرصتی برای جذب سرمایه‌های سرگردان جهانی در ایران تبدیل کند. کاهش ریسک سرمایه‌گذاری به همراه کاهش تنش‌های سیاسی در کشور می‌تواند زمینه‌ساز جذب سرمایه‌های موجود و رونق دوباره بازار پول و سرمایه در ایران شود. جدول زیر اثرات مثبت و منفی بحران مالی جهانی و عمده راهکارهای مقابله با این بحران را به طور خلاصه نشان می‌دهد:

شاخه‌های متأثر از بحران	ابعاد زیر شاخه	اثرات مثبت و منفی بحران اقتصادی	راهکارهای مقابله با بحران
تجارت	درآمد نفت	کاهش قیمت نفت و کاهش درآمدهای نفتی	استفاده از ذخایر ارزی به صورت معقول و منطقی، حرکت به سمت جذب تدریجی و با ایجاد انگیزه پرداخت‌های مالیاتی در جهت مشارکت عمومی مردم با شفافیت بیشتر دولت
	بودجه	افزایش کسری بودجه به دلیل کاهش درآمدهای دولت، کاهش حجم کارهای عمرانی، افزایش میزان بیکاری و کاهش نرخ رشد اقتصادی	سرمایه‌گذاری در بخش‌های دارای، ایجاد آیین‌نامه‌های دقیق سرمایه‌گذاری خارجی در بورس و افزایش سیاست‌های انبساطی
	واردات	تمایل به کسری تراز حساب جاری ناشی از کاهش قیمت نفت، کاهش واردات مواد اولیه واسطه‌ای و مصرفی، کاهش سطح تولید داخلی و کاهش سطح رفاه عمومی، کاهش سطح تورم وارداتی	ایجاد انگیزه برای افزایش سطح تولید داخلی، ایجاد مشوق‌های تولید و صادرات، حمایت از تولیدکنندگان داخلی با اعطای تسهیلات و اعتبار، هدایت ذخایر ارزی به کانال تولید

شاخه‌های متأثر از بحران	ابعاد زیر شاخه	اثرات مثبت و منفی بحران اقتصادی	راهکارهای مقابله با بحران
مالی	بانک‌ها و بورس‌های داخلی	عدم تغییر در وضعیت بانک‌های داخلی، عدم تغییر بازار سرمایه داخلی کشور به دلیل ایزوله بودن، کاهش رشد سهام به دلیل رکود داخلی و جهانی	هدایت تسهیلات بانکی در جهت طرح‌های مطمئن با ریسک معقول، قوانین نظارتی متنقن در جهت مدیریت ریسک منابع بانکی، تشویق جذب پس‌اندازهای مردمی
	خطوط اعتباری	کاهش مضاعف خطوط خارجی و مشکلات صادرات و واردات کالاهای سرمایه‌ای	تلاش در جهت اعتمادسازی جهانی، مذاکرات دوجانبه با بانک‌های بین‌المللی
	تأمین مالی نفت و گاز	کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مذکور، کاهش حجم تولید و استخراج، کاهش اعتبارات بانکی برای تأمین مالی صنایع نفت و گاز	تلاش در جهت جذب سرمایه‌های داخلی، ارائه بسته‌های تشویقی جهت تشویق تحریک حضور سرمایه‌گذار خارجی در صنایع نفت و گاز، سیاست‌های نظارتی و حمایتی مناسب
	ارزش ریال	تضعیف ارزش ریال در برابر ارزهای عمده جهان خصوصاً دلار، افزایش قدرت رقابت در عرصه صادرات	اعمال سیاست‌های پولی و ارزی مناسب و متناسب با بحران جهانی
تحولات اقتصادی و سیاسی	طرح تحول اقتصادی دولت	تعویق یا تعلیق احتمالی طرح تحول اقتصادی، جلوگیری از طرح‌های تورمی متأثر از شرایط جهانی	ایجاد بسترهای مناسب داخلی جهت کاهش آثار مخرب بحران‌های خارجی، حذف و تعلیق سیاست‌های خشک اقتصادی بدون نگاه به وضعیت بازارهای جهانی
	ارائه طرح‌های جدید متناسب با بحران	احتمال حرکت به سمت درآمدهای مالیاتی، افزایش بی‌ثباتی طرح‌های سرمایه‌ای و تولیدی، نارضایتی جامعه	حرکت به سمت طرح‌های فراگیر و عادلانه مالیاتی، افزایش شفافیت دولت در درآمدها و هزینه‌ها، رفع تبعیض مالیاتی و تبعیض هزینه‌ای، تشویق فعالیت‌های مشارکت‌جویانه مردمی
	روابط بین‌الملل	کاهش قدرت چانه‌زنی کشور در مباحث هسته‌ای به دلیل کاهش قیمت نفت	اتخاذ سیاست‌های منعطف جهت استفاده از فرصت‌های این بحران، ایجاد اعتماد نسبی و مشارکت در حل مسائل جهانی، ظرفیت‌سازی و ارتقای پتانسیل‌های کارآمدی کشور

در پایان پیشنهاد می‌شود که مرکزی تحت عنوان مرکز مطالعه بحران‌های اقتصادی در کشور ایجاد شود و گروهی از پژوهشگران، تحقیقاتی را در مورد بحران‌های مهم مالی و اقتصادی در

۸۰ سال اخیر دنیا، گردآوری و بررسی نمایند و مجموعه‌ای از راهکارهای ملی و بین‌المللی که برای محدود کردن دامنه این بحران‌ها یا مقابله با آن‌ها پیشنهاد شده یا به مرحله اجرا درآمده است را احصاء نموده و مناسب‌ترین آن‌ها را به سیاستگذاران اقتصادی یا برنامه‌ریزان کشور ارائه نمایند.

## منابع

- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، «ایران در بحران ۲۰۰۸»، *ماهنامه اقتصاد ایران*، سال ۱۱، شماره ۱۱۷.
- اردهالی، سید محمد (۱۳۸۸)، «تداوم بحران مالی: فراز و نشیب»، *ماهنامه اقتصاد ایران*، سال ۱۱، شماره ۱۲۴.
- امیریان، امیرمسعود (۱۳۸۷)، «بحران اقتصادی جهان و اثرات آن بر بازار سرمایه در ایران»، برگرفته از پایگاه اینترنتی [www.forum.boursekala.com](http://www.forum.boursekala.com): *بورس کالا*.
- دینی، علی (۱۳۸۷)، «تأثیر بحران مالی - اقتصادی جهان بر اقتصاد ایران»، برگرفته از سایت: <http://rssnews.ir>
- سلطانی‌نژاد، حامد، کاظمی، ندا و خاکپور، الناز (۱۳۸۸)، «ریشه‌یابی عوامل بروز بحران اقتصادی در نقایص نظام نولیرالیسم»، *ماهنامه بورس*، شماره ۸۲.
- صلاتی، پروانه (۱۳۸۸)، «سقوط بزرگ ۲۰۰۸: مانعی ژئوپلیتیکی برای غرب»، *فصلنامه اقتصاد مسکن*، شماره‌های ۴۳ و ۴۴.
- طاهری، مسعودرضا (۱۳۸۸)، «وام‌های ارزان بستر سونامی بحران مالی جهانی»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره ۱۸۹۰، دوشنبه ۱۶ شهریور.
- طباطبایی، رؤیا (۱۳۸۷)، «بحران اقتصادی جهان و تبعات آن»، *مجله مهین*، شماره ۹.
- عسلی، مهدی (۱۳۸۸)، «بحران در بازارهای مالی جهان: دلایل، ابعاد و پیامدهای احتمال آن»، برگرفته از سایت [www.rastak.com](http://www.rastak.com): *رستاک*.
- عطایی، امید و عزیزنژاد، صمد (۱۳۸۷)، «بحران مالی جهانی و آثار آن بر اقتصاد ایران»، گزارش منتشر شده دفتر مطالعات اقتصادی (گروه بازارهای مالی)، مجلس شورای اسلامی.
- علمی، محمد (۱۳۸۷)، «بحران مالی آمریکا و درس‌های ناشی از آن»، *ماهنامه پیام صادرات*، شماره ۲۸.
- علمی، محمد (۱۳۸۷)، «بحران مالی جهانی و کشورهای در حال توسعه»، انتشارات سازمان توسعه تجارت ایران.
- علمی، محمد (۱۳۸۷)، *راهکارهای ارائه شده در چند کشور منتخب برای مقابله با بحران مالی جهانی*، انتشارات سازمان توسعه تجارت ایران.
- علمی، محمد (۱۳۸۷)، *مروری کوتاه بر زیان‌های ناشی از بحران مالی آمریکا*، انتشارات سازمان توسعه تجارت ایران.
- فرهادی‌ور، محمدرضا (۱۳۸۸)، «راه بحران مالی از گذرگاه حباب مسکن می‌گذرد»، *فصلنامه اقتصاد مسکن*، شماره‌های ۴۳ و ۴۴.
- قالیباف‌اصل، محمد (۱۳۸۸)، «بحران مالی جهانی: فرصت‌ها و تهدیدها»، *ماهنامه گزیده مدیریت*، سال ۱۰، شماره ۹۲.

- فندی، حجت(۱۳۸۷)، «نورم منفی، تهدید بزرگ آمریکا»، **ماهنامه کارآفرین**، شماره ۶۴.
- میدری، احمد(۱۳۸۸)، «مقررات‌زدایی و بحران مالی»، **فصلنامه اقتصاد مسکن**، شماره‌های ۴۴ و ۴۳.
- میرعمادی، طاهره(۱۳۸۷)، «تبیین بحران مالی سال ۲۰۰۸ به مثابه آستانه چرخش پارامتریک در انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات»، **فصلنامه سیاست علم و فناوری**، سال اول، شماره ۲.
- وزارت امور اقتصاد و دارایی(۱۳۸۷)، **تحولات جهان در سال ۲۰۰۸ میلادی و فرصت‌ها و تهدیدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران**، گزارش منتشر نشده معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی(۱۳۸۷)، **نگاهی به بحران‌های سیستم مالی و اقتصادی بین‌الملل**، گزارش منتشر نشده معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- کیال، علی(۱۳۸۷)، «بحران مالی و اقتصادی غرب: ریشه‌ها و آثار»، **ماهنامه تدبیر**، سال ۱۹، شماره ۱۹۹، میزگرد عملی.
- کیال، علی(۱۳۸۷)، «پیامدهای بحران اقتصادی غرب بر اقتصاد کشور»، **ماهنامه تدبیر**، سال ۱۹، شماره ۲۰۰، میزگرد عملی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی